



برای روزهای تنهایی شما به چه راهکارهایی رسیده‌اید؟

این راهش نیست

فاطمه بختیاری از ن دستی روی سر هتا (سگش) می‌کشد و می‌گوید: «دخترمه؛ برایش می‌میرم. اگه یه روز پیشم نباشه دق می‌کنم. هرچی بهش می‌گم می‌فهمه. از بچه‌های بی‌معرفتم هم خیلی با معرفت‌تره. بعد دو تا دستش رو کنار هم می‌ذاره و می‌گه: «این قدر بود که آوردمش، اندازه دو تا کف دست. الان سه ساله که پیش خودمه. همه چی رو هم می‌فهمه. شباً تا خوابم نبره اینم نمی‌خوابه. یه وقتایی هم که ناراحتم می‌آد و پیشم می‌شینم. خیلی می‌فهمه.»



برای من که تنهام خوبه

بچه نمی‌خواهم. حالا نمی‌دانم مشکلی چیزی دارد یا اینکه واقعا بچه نمی‌خواهد. چون چند وقت پیش هم یکی از آشناها می‌گفت بچه نمی‌خواهم و گریه داشت، بعد فهمیدیم شوهرش مشکل دارد و بچه دار نمی‌شود. خودشان می‌دانند، ولی هر چیزی جای خودش را دارد. این حیوان هم مسئولیت دارد. همین چند وقت پیش دست پایی روی پله‌ها رفت زیر تنه‌اش و شکست. هم بیشتر از دست یک بچه خرج برداشت و هم سخت بود، ولی خب آدم دیگر به این حیوان‌ها عادت می‌کند و مسئولیت دارد. الان تایکی در می‌زند می‌رود دم در و حواسش هست و یک جوری پارس می‌کند که هر کی نداند فکر می‌کند این نیم‌وجبی چقدر بزرگ است! برای من که تنها هستم خوب است؛ بقیه حساب می‌برند.»

احتمالا شما هم افرادی رادیده‌اید که حیوان خانگی دارند، شاید خودتان هم داشته باشید؛ نمی‌خواهیم بگوییم بد است، اما گاهی زیاده روی می‌شود! در این میان تنهایی، سرگرمی و البته گاهی هم چشم‌وهم‌چشمی دلیل خیلی‌ها برای نگهداری از یک حیوان خانگی است. خانم عباسی که ساکن خیابان رضادر احمدآباد است درباره حیوان خانگی‌اش می‌گوید: «پایی را بعد از اینکه بچه‌ها رفتند خارج خریدم. همیشه پایی پیشم هست. نگهداری از یک سگ واقعا سخت‌تر از نگهداری یک بچه است. حالا من که به جای بچه سگ نخردم، ولی دختر خواهرم دو سگ خریده، می‌گوید



۵ میلیون واسه عملش دادم

رو هم می‌برم بیرون که اونم حدود ۴۰۰ هزار تومان هست و هر دو ماه یک بار می‌برم. اگر مریض نشه خرج زیادی نداره. حالا تازه گریه من خیلی خوبه. یکی از دوستانم گریه‌ش شیرینی زیاد خورده و الان یک مرضی گرفته که هر هفته باید بهش خون وصل کنند تازه خون رو هم باید از یک گریه دیگه بگیرن هم کلی مکافات دارن و هم کلی خرج. شیرین فروشنده یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای است، ۳۷ سال سن دارد و مجرد است و آن‌طور که خودش می‌گوید ماهی ۱۷ میلیون تومان حقوق می‌گیرد و درآمدش را بیشتر خرج گریه‌اش می‌کند، ولی از این خرج کردن ناراضی نیست و یکی از شروط ازدواجش هم ادامه زندگی مشترک با دخترش است!

شیرین یکی دیگر از کسانی است که حیوان خانگی نگهداری می‌کند. چهار سالی می‌شود که حیوان را دارد. می‌گوید: «پارسال دخترم (گریه‌اش) مریض شد، طفلی خیلی اذیت شد. صفراش مشکل پیدا کرده بود. ۱۵ میلیون واسه عملش دادم که خوب بشه. دخترمه خیلی دوستش دارم. از او می‌پرسم: «دخترت چند می‌ارزه؟ کمی ناراحت می‌شود و می‌گوید: «این نژاد الان حدود ۱۰ میلیون تومان هست، ولی این بچه چون خیلی چاق شده و عملش کردیم، این قیمت‌ها نیست و خریداری نداره. البته من دخترم رو نمی‌خوام بفروشم‌ها. نباشه می‌میرم.» می‌گویم: فقط همین ۱۵ میلیون را خرج کردی یا خرج دیگری هم داشته؟ می‌گوید: «دخترم غذای خشک نمی‌خوره همیشه باید براش غذا رو بپزم. گوشت مرغ خیلی دوست داره. تازه براش یک لباس قرمز هم خریدم که توی مهمونی هفته دیگه که دوستانم گریه‌هاشون همراهشونه، بپوشه و ناز بشه. لباسش با یک کلاه شد ۲ میلیون تومن. باورت می‌شه تا حالا برای خودم ۲ میلیون تومن پول کلاه ندادم، ولی برای این بچه گرفتم. سالی دوبار هم می‌برمش آرایشگاه که حدود ۵۰۰ هزار تومان هست. چون اذیت می‌کنه حموم کردنش

